
تاریخ ایران در عصر افشاریه

دکتر رضا شعبانی

جلد دوم



سرشناسه	: شعبانی، رضا، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ ایران در عصر افشاریه / رضا شعبانی.
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ج ۲.
شابک	: ج ۲: 3 - 361 - 372 - 964 - 978، ج ۱: 6 - 360 - 372 - 964 - 978
	: دوره: 0 - 362 - 372 - 964 - 978
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
پادداشت	: نیایه.
موضوع	: نادرافشار، شاه ایران، ۱۱۰۰-۱۱۶۰ ق.
موضوع	: ایران - تاریخ - حکومت افشاریان، ۱۱۴۸-۱۲۱۸ ق.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ت ۷۷/۱۲۵۹ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۱۸۵۵۹

۶۹۸	درویشان
۷۰۹	عیاران
۷۱۷	اقدامات اجتماعی
۷۳۴	هنر و هنرمندان
۷۵۱	نظام اقتصادی ایران در عصر افشاریه
۷۵۴	کشاورزان
۸۱۵	بازرگانی خارجی ایران
۸۴۶	مقیاسات و مقادیر
۸۵۴	تناسبات خارجی ایران در روزگار افشاریه
۸۶۵	روابط ایران و انگلیس
۸۸۵	روابط ایران و هلند
۸۹۲	روابط ایران و فرانسه
۸۹۹	روابط ایران و روس
۹۳۶	روابط تجاری
۹۴۹	روابط ایران با شرق
۹۶۷	منابع و مأخذ
۹۷۹	مؤلفان گمنام
۹۷۹	«معرفی مقالات و نقد کتاب»
۹۷۹	«مقالات تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و مذهبی»
۹۸۷	فهرست اعلام
۹۸۷	فهرست اعلام اشخاص
۱۰۰۲	اعلام جغرافیایی
۱۰۱۴	فهرست نام قبایل و عشایر

نظام اداری و حکومتی ایران در دوره افشاریه

دولت مستعجل نادری، با همه شوکت و اعتلایی که به هم رسانید و خاطره دیرپای سال‌های عزت و اقتدار ملی را در ذهن‌های عموم زنده کرد، مجال آن را نیافت که به زعم اشتیاق و نهمت مرد نامداری که سدود تعینات معمول را شکسته و پشت سر نهاده بود، تغییرات وسیعی در ساختارهای پابرجای اداری و حکومتی اسلاف صفوی خود بر جای گذارد.

مسئله اساسی این بود که ترتیبات اداره امور کشور پهناور ایران، از روزگاری بسیار و پیش‌تر از روی کار آمدن دودمان صفوی نیز شیوه‌های جا افتاده و مقبولیت یافته کاراً و مؤثری داشت که شاید بتوان با مقداری غمض عین از تفاوت‌های به ظاهر آشکارایی که از زمان غلبه اعراب و روی کار آمدن حکومت‌های کوتاه‌زاندگانی ایرانی و ترک و تاتار حاصل شده بود، تشکیلات دیوانی را یادگار اندیشه و عمل کاردانان بافراسنی دانست که هم از روزگار داریوش بزرگ (۵۲۲-۴۸۶ پ.م.) به تنسیقات امور دولتی می‌پرداختند و نسلی بعد نسل در کار خود مهارت و کفایت شایسته به هم رسانیده بودند.

این که اکثریت مردم مملکت به مسائل خاص خویش عنایت کنند و چوپان و برزگر یا صنعت‌کار شهری و کارگر بی‌تخصّص، به همان روالی خو و عادت کنند که معمول حیات اجدادی آنان بوده، هرگز در ذهن کسی، از روشن فکر تا عامی، بُعدی

برنمی‌انگیخت و به همان صورت که در جای جای این تألیف بدان پرداخته شده است از بیداری طبقاتی یا وجدان هوشیار و متعّرض گروه‌های اجتماعی، سخنی به میان نیامده است.

مسئله این نبود که تفاوت‌های بارز زندگانی اغنیاء و فقراء، یا حاکمان و محکومان مشهود نبود یا فرضاً نظام کاستی قدرتمندی بر جامعه فرمان می‌راند که اجازه بیرون شدن از حریم‌های زیست سنتی را به مردمان نمی‌داد، ولی حداقل این است که بگوئیم با فروریختگی اعتبار و منزلت ردان و سروران پیش از اسلام، عناصر تازه‌ای به میدان آمدند، ارزش‌های دیگری مطمع نظر برخی قرار گرفت و به تبع، در هر یک از ادوار سیاسی عمر جامعه، که هیأت‌های حاکم تازه‌ای به میدان می‌آمدند، راه و رسم‌های خاصی نیز برای استعباد و استثمار جوامع حاشیه‌ای مشاهده می‌افتاد.

اما آنچه که حائز اهمیت بود این بود که ساختارهای طبقاتی استوار قرون پیش از اسلام درهم شکست و برای قرن‌های مدید و تا روی کار آمدن دولت با ثبات و ملی صفویه، نهادها و تأسیسات قدیم و ثابتی برای ارائه تعریفی تازه از:

— نظامات ارزشی جدید

— آفرینش منزلت‌های طبقاتی مقبول

— تفویض جایگاه‌ها و پایگاه‌های دائمی اجتماعی به عناصر تازه کار

با همه آنچه که دربابست چنان تحولاتی است شکل نگرفت و اقشار مختلف انسانی مجال موسعی نیافتند تا در قالب‌های طبقاتی خاص خود استقرار و استمرار پذیرند.

از ممیزات دولت‌ها یا بهتر گفته شود حکومت‌هایی که به اندک فاصله یکی پشت سر دیگری در صحنه نمایش‌های سیاسی حضور می‌یافتند، نداشتن طرح و برنامه و نقشه کافی برای تحمیل یا ارائه تغییرات بنیادی در تشکیلات برسرپای پیشین بود که فی الحقیقه باعث می‌شد کارکنان دیوانی بیش و کم تعهدات خود را حفظ کنند و مسئولیت‌ها و حقوق‌شان را نیز دریابند.